

چیستی و چگونگی تحقیقات کیفی روش تحلیل گفتمان

حسن شیرازی رومنان^۱

چکیده

بسیاری از محققان به دلیل پافشاری بی مورد بر روش‌های تحقیق کمی در کاربرد "تحلیل گفتمان" دچار خطا می‌شوند. برخی از آنها به این روش، همانند روشی کتبی می‌نگرند و بر همان اساس عمل می‌کنند. آنها به دو دلیل دچار این آسیب در تحقیق می‌شوند؛ اصولاً با مفهوم و روش تحلیل گفتمان آشنایی ندارند یا آن که سنت‌های ناپسند کتبی گزافی در محافل دانشگاهی در کشور آنها را به سوی کتبی کردن "تحلیل گفتمان" سوق می‌دهد.

در این مقاله آنچه که مهم است بی بردن به جایگاه معنی‌شناسی "تحلیل گفتمان" در تحقیقات سیاسی-اجتماعی است. تجربه‌های اخیر نشان می‌دهد افزایش بهره‌مندی محققان ارتباطات از روش‌های کیفی "تحلیل گفتمان"؛ "تحلیل گفتمان انتقادی" و "تحلیل متن" ضمن آشنایی هرچه بیشتر آنان با چنین روش‌هایی، سبب دوری جستن آن‌ها از آفات و آسیب‌های روش‌شناسی کمی در این زمینه می‌شود. براین اساس می‌توان امیدوار بود که مطالعه این مقاله در آینده باعث ارتقاء هرچه بیشتر جایگاه معنی‌شناسی کاربردی در تحقیقات کیفی شود.

کلیدواژه

تحلیل گفتمان، معنا سازی، ارتباط کلامی، کنش سازی، تاثیر اجتماعی

۱ استاد یار و عضو هیأت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی

مقدمه

در هر علمی، حل مسائل به روش هایی که پژوهشگران در تحقیقات خود به کار می بندند، سخت وابسته است. در تحقیقات ارتباطی از آنجا که محقق هم با پیام فرستنده پیام و گیرنده پیام سروکار دارد، لازم است به بررسی پیام پردازد. روش هایی چون: «تحلیل محتوا» به عنوان یک روش کمی و «تحلیل گفتمان» «تحلیل گفتمان انتقادی» و «تحلیل متن» به عنوان روش هایی کیفی پیش روی او قرار دارند. در نگاه نخست شاید تحلیل گفتمان همان تحلیل متن یا نوشتار - text analysis - یا تحلیل گفتار به نظر آید. اما واقعیت این است که تحلیل گفتمان چیزی بیش از آرا هارولد لاسول درباره تحلیل فرستنده، تحلیل پیام، تحلیل وسیله و تحلیل گیرنده است. دیری نگذشت که بعضی از زبان شناسان این مفهوم را در معناهای متفاوتی به کار بردند. به اعتقاد برخی تحلیل گفتمان شامل تحلیل ساختار زبان گفتاری مانند گفتگوها، مصاحبه ها و سخنرانی ها و تحلیل متن شامل تحلیل ساختار زبان نوشتاری مانند مقاله ها، داستان ها، گزارش ها و غیره می شود. آنها معتقد بودند که تحلیل گفتمان بیشتر به کارکرد یا ساختار جمله و کشف و توصیف روابط آن می پردازد. به عبارت دیگر تحلیل گفتمان عبارت است از «شناخت رابطه جمله ها با یکدیگر و نگرستن به کل آن چیزی که نتیجه این روابط است». تحلیل گفتمان به سازوکارهای زبانی تشکیل متن می پردازد و این که چه ابزارهایی به جمله های زبان متنیّت می بخشند.

در تحلیل گفتمان، برخلاف تحلیل های سنتی زبان شناسانه، دیگر صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل دهنده جمله به عنوان عمده ترین مبنای تشریح معنا سرو کار نداریم، بلکه فراتر از آن به عوامل بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی - context of situation -، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، ارتباطی و غیره سرو کار داریم. تحلیل گفتمان، روشی نوین برای پژوهش در متن های ارتباطی است که برای شناخت پیام و معنی به کار رفته در پیام های ارتباطی کاربرد یافته است. این روش در آغاز تا حد زیادی وامدار زبان شناسی بوده است.

بسیاری از زبان شناسان هم به این قول «مالینوفسکی» استناد می کنند که می گوید: " مفهوم و معنی در دل کلمات نهفته نیست، بلکه معنی در " اوضاع و احوال " اجتماعی، وضع ادای کلمات، ساختمان جمله، اثر کلمات مجاور بر یکدیگر و ده ها عامل دیگر مبتنی می باشد. " به این ترتیب " معنی " در " کنه " شرایط اجتماعی " قرار دارد که هر پیام با توجه به وضع فرستنده و گیرنده دستخوش دگرگونی می شود. از این منظر معنی شناسی را مطالعه " معنی " دانسته اند به مفهوم مصداقی که در جهان خارج وجود دارد یا مبتنی بر مصداق ها به شکل نوعی تصویر Image در ذهن گوینده است و " تحلیل گفتمان " به معنی " تجزیه و تحلیل کلام " به مطالعه رابطه میان صورت و نقش در ارتباط کلامی می پردازد.

در تحلیل گفتمان مجموعه شرایط اجتماعی، زمینه وقوع متن یا نوشتار، گفتار، ارتباطات غیر کلامی و رابطه ساختار و واژه ها در گزاره ای کلی نگریسته می شود. واژه ها هر کدام به تنهایی مفهومی خاص خود را دارا هستند اما در شرایط وقوع و در اذهان گوناگون معانی متفاوتی دارند. برای مثال رستگاری برای یک انسان دیندار معنایی متفاوت از رستگاری برای یک انسان غیر دیندار دارد.

کنش های گفتاری جدی وقتی در چارچوب یک صورت بندی گفتمانی، که خود نظام نسبتاً مستقلی را تشکیل می دهد، گرد می آیند، گفتمانی را می سازند که شیوه های اندیشیدن و معیار صدق و کذب را در دوره های تاریخی مشخص تعیین می کند. مثلاً، در گفتمان انقلاب اسلامی، کنش های گفتاری جدی ای مانند "اسلام همه اش سیاسی است"، "حکومت، فلسفه ی سیاسی فقه است"، "سیاست ما عین دیانت ماست"، "اسلام بدون روحانیت مثل کشور بدون طبیب است"، "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی"، "مجلس، عصاره ی ملت است"، "آمریکا، شیطان بزرگ است"، "اسرائیل، غاصب است" به همراه احکام دیگر، بر محوریت نوعی اسلام سیاسی بنیادگرا مجموعاً صورت بندی گفتمانی ای را شکل دادند که نظام معنایی انقلاب اسلامی را ساخت. نظام معنایی ای که جهان بینی خاص خود و معیارهای صدق و کذب خاص خود را تولید کرد. این احکام یا کنش های گفتاری جدی در سطح وسیعی در اقشار جامعه نفوذ کرده و بدان طریق به صورت نوشتار و گفتار بارها تکرار شدند و همدیگر را بازتولید کردند. به علاوه، از نگاه انقلابیون، این احکام

صادق تلقی می‌شدند و آن‌ها برای فهم این احکام احتیاج به پیش‌زمینه‌ی مشترکی خارج از صورت‌بندی انقلاب اسلامی نداشته‌اند. در واقع، هر حکم صرفاً در متن واقعی خودش که مرکب از دیگر احکام است فهمیده می‌شود. تحلیل گفتمان اما تنها در زیر چتر زبان‌شناسی نماند. این‌گرایش به همت‌متفکرانی چون میشل فوکو از زبان‌شناسی وارد مطالعات فرهنگی و مباحث اجتماعی و سیاسی شد و شکل انتقادی به خود گرفت.

بیان مساله

در هر علمی، حل مسائل درگرو پژوهش‌هایی است که پژوهشگران را به یافتن داده‌هایی رهنمون می‌شود تا با تحلیل و تبیین آن داده‌ها پاسخ‌های موردنیاز را بیابند و ارائه دهند. پژوهش‌های علمی به صورتی روشمند توسط پژوهشگران طراحی و اجرا می‌شوند. پژوهشگران نیک می‌دانند که برای حل هر مساله‌ای در هر پژوهش، روش‌هایی وجود دارد و به کار بستن این روش‌ها از سر ضرورت است نه از روی هوی و هوس. علم ارتباطات اجتماعی نیز به عنوان یکی از علوم میان‌رشته‌ای در انجام تحقیقات و پژوهش‌های ارتباطی از روش‌های گوناگون تحقیق در حوزه علوم اجتماعی، روانشناسی و سیاست بهره‌برده است و اخیراً نیز درحوزه زبان‌شناسی با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان *discourse Analysis* بر غنای پژوهش‌های ارتباطی افزوده است.

"تحلیل گفتمان"، روشی نوین برای پژوهش در متن‌های ارتباطی است که در کنار دیگر روش‌هایی که برای شناخت پیام‌آفرینان، وسایل ارتباطی و مخاطبان به کار می‌رود، برای شناخت معنی به کار رفته در پیام‌های ارتباطی کاربرد یافته است.

متأسفانه دو آسیب جدی همواره محققان را در کاربرد "تحلیل گفتمان" تهدید می‌کند. نخستین آسیب جدی که محققان را در کار بست تحلیل گفتمان، تعقیب می‌کند نداشتن شناخت کافی در تمییز شیوه‌های سه‌گانه تحلیل گفتمان از یک سو و به کار بردن "تحلیل محتوا" به جای "تحلیل گفتمان" از سوی دیگر است. آسیب‌شناسی روش تحلیل گفتمان در ایران حکایت از آن دارد که علت این امر عدم شناخت مفهوم "تحلیل گفتمان" از سوی نظریه‌پردازان و

محققان بوده است و از سوئی دیگر نیز برخی سنت های ناپسند در محافل دانشگاهی سبب ساز آسیب های روش شناسی در کار محققان می شود. به عنوان مثال گرایش محققان به استفاده از محاسبات آماری و جداول به کار رفته در تحقیق؛ زمینه ای را به وجود می آورد تا محققان تصور کنند روش هایی چون تحلیل گفتمان که آمار و ارقام روش های کمی را ندارند، فاقد اعتبار و روایی اند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

در علم ارتباطات برای پژوهش های ارتباطی از دو شیوه کیفی و کمی استفاده می شود. اغلب دانشجویان ارتباطات در یافتن راه حل های مناسب و آسان تر با مشکل برخورد می کنند. جرج گربرنر استاد ارتباطات در این زمینه منعقد است: "دانشجویان ارتباطات در جایی که با مشکلی در رابطه با ارتباطات برخورد می کنند و امکان یافتن راه حل های آسان تری وجود دارد، نباید از زیر آن شانه خالی کنند" روش "تحلیل گفتمان" یک روش کیفی است که از اصلاح روش های اولیه تحلیل رسانه ها حاصل شده است، اصطلاحی که شالوده زبان شناسی دارد. در حالی که تحلیل محتوا یک روش کمی بر اساس اندازه گیری است، مقدار چیزی، در یک نمونه سنجیده می شود.

"تئو.ای. وان دایک" چهار جزء متمایز رویکرد به گفتمان را این گونه برمی شمارد: اول، تحلیل گفتمان یک پیام رسانه ای را به عنوان یک گفتمان تمام عیار مستقل بررسی می کند. تحلیل محتوا در پژوهش ارتباطات جمعی معمولاً برای یافتن روابط یا همبستگی ها میان این و یا آن ویژگی اغلب محتوا و گاهی سبک پیام ها و ویژگی های فرستنده، سخنگو یا خوانندگان انجام می گیرد. گفتمان رسانه ای به عنوان شکلی از "عمل اجتماعی" کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است و آشکار کردن ساختارهای ذاتی در همه سطوح، هدفی معقول محسوب می شود. دوم اینکه، هدف تحلیل گفتمان عمدتاً تشریح داده های کیفی و نه داده های کمی است. البته معیارهای کمی را می توان به خوبی بر تحلیلی آشکار از نوع کیفی بنیان نهاد.

سوم اینکه، درحالی که تحلیل محتوا عمدتاً بر مبنای داده های قابل مشاهده و محاسبه پذیری چون واژه ها، عبارات، جمله ها مبتنی است، تحلیل گفتمان به ساختارهای معنا شناختی توجه دارد و فرض ها، ارتباط ها، دلالت ها و راهبردها را هم روشن می سازد. در تحلیل گفتمان به جای شمارش و مقادیر آماری با معاشناسی کاربردی متن سروکار داریم. فنون پیشرفته تر تحلیل محتوا هم راجع به ساختارهای زبانی است و با بحث های زبان شناسی درآمیخته شده است. اما مطلقاً به آن نمی توان تحلیل گفتمان گفت چرا که تحلیل گفتمان افق های بسیار دورتری را دنبال می کند. اصولاً تحقیقات کیفی چنین است و تحلیل گفتمان هم به عنوان یکی از الگوهای تحلیل، کیفی از این شاخص بهره مند است. اگر محققان بدانند که کمی کردن تحلیل اغلب به محتوای آشکار پیام محدود می شود و محقق را در پی بردن به پیام پنهان یا افادات و اشارت ناتوان می کند درمی یابند که اصولاً روش های کمی برای حصول نتیجه ناتوانند. دل بستگی به سنت های رایج و به کار بستن روش تحلیل محتوا به مرور زمان نوعی نگرش کمی بر اندیشه محققان حاکم کرده است. ترک چنین عاداتی البته برای بسیاری از محققان دشوار به نظر می رسد. اما با اهمیت یافتن جایگاه تحقیقات کیفی، پرهیز از چنین عاداتی ضروری بنظر می رسد.

پیش فرض های انگاره و مفروضات تحلیل گفتمان

پیش فرض ها و مفروضات تحلیل گفتمان که از برآیند قواعد تحلیل متن، هرمنوتیک، نشانه شناسی، مکتب انتقادی، روانکاو مدرن و دیدگاه فوکو شکل گرفته، عبارت است از:

- ۱- متن یا گفتار واحد توسط انسان های مختلف، متفاوت نگریسته می شود. یعنی انسان های مختلف از متن واحد برداشت یکسان و واحدی ندارند. دالی متفاوت می تواند برای اشاره به مدلولی ظاهراً یکسان استفاده شود.
- ۲- خواندن، برداشت و تفسیر از متن، همیشه نادرست خواندن، برداشت نادرست از متن است.

- ۳- متن را باید به عنوان یک کل معنا دار نگریست و این معنا لزوماً در خود متن نیست.
- ۴- هیچ متن خنثی یا بی طرفی وجود ندارد. متن ها بار ایدئولوژیک دارند.
- ۵- حقیقت همیشه در خطر است. در هر گفتمانی حقیقت نهفته است اما هیچ گفتمانی دارای تمامی حقیقت نیست.
- ۶- نحوه content متن نیز معنا دار است. چون که نحو دارای معانی اجتماعی و ایدئولوژیک است و این معانی در جای خود به عواملی که دال ها را می سازند نظیر: رمزا، بافت ها، مشارکت ها و تاریخ مختلف وابسته اند.
- ۷- معنا همان قدر که از متن Text ناشی می شود، از بافت یا زمینه اجتماعی و فرهنگی Context نیز تاثیر می پذیرد. معنا و پیام یک متن در بین نوشته های آن متن قرار دارد.
- ۸- هر متنی در شرایط و موقعیت خاصی تولید می شود. از این رو رنگ خالق خود را همیشه به خود دارد.
- ۹- هر متنی به یک منبع قدرت یا اقتدار، نه لزوماً سیاسی، مرتبط است.
- ۱۰- گفتمان، سطوح و ابعاد متعددی دارد. یک سطح گفتمانی و یک نوع گفتمان هم وجود ندارد.

پیشینه تحقیق

۱- مطالبی که در باب گفتمان شناسی جستجو و گریخته در ایران نوشته شده است اکثراً به تعریف، تحدید حدود، شعور، کاربرد و گفتمان محدود می شود. اما هنوز مطالب خاص نظام‌مندی در زمینه روش تحلیل بجز دو رساله کارشناسی ارشد در شیراز نگاشته نشده است. لطف الله یارمحمدی در پایان نامه ای با عنوان "شیوه ای در تحلیل گفتمان و بررسی دیدگاه های فکری - اجتماعی" تلاش می کند تا روش کار و شیوه تحلیل گفتمان را به محققان ناآشنا، بیاموزد. تلاش و کوشش و علاقه‌مندی محققان به آموختن روش "تحلیل گفتمان" در سال های اخیر؛ باعث مهارت و توانایی محققان ارتباطی در بهره گیری از روش "تحلیل گفتمان" شده است. اما هنوز هم بسیاری از محققان تازه کار ممکن است به علت

عدم آشنایی کافی با این روش در جریان تحقیق با مشکل عدم "روایی Validity" و "اعتبار Releability" روبرو شوند.

۲- در فصلنامه رسانه شماره ۵۴ تابستان ۱۳۸۲ تحقیقی از سوی دکتر محمد مهدی فرقانی با عنوان "تحول گفتمان سیاسی در ایران" از مشروطه تا انقلاب اسلامی منتشر شده است که بر اساس روش "تحلیل گفتمان" صورت گرفته است.

محقق برای بررسی گفتمان حاکم در زمینه توسعه سیاسی، یک روزنامه که نماینده گفتمان دو دوره از حاکمیت بوده است انتخاب و از میان سرمقاله های آن متن معرف، برگزیده شده و با استفاده از شیوه تحلیل گفتمان و الگوی ترکیبی فرکلاف و ون دایک، این متون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است تا یافته های آن بر مبنای تحلیل شرایط و بسترهای تاریخی، سیاسی و اجتماعی، تبیین شوند. این مقاله در پی آن است که گفتمان مسلط توسعه سیاسی را در سرمقاله های روزنامه های دو دوره مزبور، مورد تحلیل و بررسی قرار دهد تا از خلال آن عناصر و ساخت گفتمان حاکم در هر دوره و در نهایت سیر تحول گفتمان توسعه سیاسی در یکصد سال اخیر را بازشناسی و معرفی کند.

۳- پایان نامه آقای اردشیر زابلی زاده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی به تحلیل گفتمان هفته نامه های استان کردستان پرداخته است. در این تحقیق به بررسی عملی و محتوایی متون سرمقاله های سه نشریه استان پرداخته شده است. بنابراین "جامعه آماری" این تحقیق عبارت بودند از: نشریات استانی آبیدر، سیروان، ناسو در سال ۱۳۸۲ به صورت روش "نمونه گیری تصادفی ساده" و از بین ۵۰٪ مطالب نشریات فوق در این تحقیق استفاده شده است. واحد تحلیل "مضامین و معنای مقالات و سرمقاله نشریه بوده است.

در "روش گردآوری اطلاعات" دو روش تحلیل گفتمان مثل روش تحلیل محتوا، اطلاعات و داده ها موجودند و محقق صرفا سعی می کند بر اساس فرضیات و سوالات تحقیق، اطلاعات لازم را گردآوری نماید. در واقع نوعی ابزار غیر تصدیعی غیر مزاحم در اختیار محقق می باشد و محقق مجبور به گردآوری و جمع آوری اطلاعات نیست بلکه اطلاعات به صورت غیرمنسجم موجودند فقط

نقش وی تنظیم و تنسيق اطلاعات بر اساس سوالات و فرضیات تحقیق بوده است. در روش تجزیه و تحلیل، سرمقاله ها و مقالاتی که متناسب با فرضیات تحقیق بوده است.

سؤال تحقیق

مهمترین پرسش که در حوزه ارتباطات اجتماعی و یا رسانه ای مورد تکرار فراوان به خدمت قرار می گیرد این است که چگونه می توان معنا سازی کرد و مفاهیم را به خدمت گرفت و چگونه می توان میزان نفوذ پیام ها را در خدمت منبع تولید پیام درآورده و قدرت ایجاد کرد؟ برخی از صاحب نظران بر این باورند که برای پاسخ به این سؤال: "ما به گسترش اشکال تحلیل نشانه شناسی نیازمندیم که پیشرفت ویژه متن های رسانه ای را ادراک کرده و به آن رسمیت داده و در توزیع آن تلاش مجدانه نماید" و یا تعبیری دیگر در واقع در "تحلیل متن" ما باید به این پرسش پاسخ دهیم که چگونه می توان از واژه ها فرهنگ و معنا ساخت؟

تعاریف و مفاهیم تحقیق

گفتمان Discourse شکلی از کاربرد گفتگو اما به صورتی کلی تر است. بدین معنا که در گفتمان تنها معنای ظاهری مطرح شده در گفتگو نقش ندارد بلکه شرایط زمانی، مکانی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را به صورت پنهان با خود در بردارد.

در نظر فوکو، گفتمان ها درباره موضوعات صحبت نمی کنند و هویت موضوعات را تعیین نمی کنند بلکه سازنده موضوعات اند و در فرایند این سازندگی مداخله خود را پنهان می کنند. گفتمان روشن می سازد چه کسی در چه زمانی و با چه آمریتی صحبت می کند.

"تحلیل محتوا" یک شیوه تحقیقی است که برای تشریح عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام های ارتباطی به کار می رود. تاکید "برلسون" بر روی کمی بودن تحلیل محتوا را در تعریف "کاپلان" نیز می توان مشاهده کرد.

”روش تحلیل محتوا، معنانشناسی آماری مباحث سیاسی است“ در روش تحلیل محتوا آماری بودن روش، حکایت از کمی بودن آن دارد. ”تحلیل گفتمان“ یک روش کیفی است که از اصلاح روش های اولیه تحلیل رسانه ها حاصل شده است، اصلاحی که شالوده زبان شناسی دارد.

کاربردهای روشی در تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان از سطح گفتار فراتر رفته و شامل گفتار، نوشتار و همچنین شامل ناگفته ها و نانوشته های یک متن نیز می شود و مضامین خاصی را با خود به همراه دارد.

تحلیل گفتمان از لحاظ روش در زمره تحلیل های کیفی قرار می گیرد. ادعای تحلیل گفتمان آن است که تحلیلگر در بررسی یک متن از خود متن فراتر می رود و وارد بافت یا زمینه متن می شود. یعنی از یک طرف به روابط درون متن و از طرف دیگر به بافت های موقعیتی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی متن می پردازد. ”تئو. ای. وان دایک“ چهار جزء متمایز رویکرد به گفتمان را این گونه برمی شمارد:

اول، تحلیل گفتمان یک پیام رسانه ای را به عنوان یک گفتمان تمام عیار مستقل بررسی می کند. تحلیل محتوا در پژوهش ارتباطات جمعی معمولاً برای یافتن روابط یا همبستگی ها میان این و یا آن ویژگی اغلب محتوا و گاهی سبک -پیام ها و ویژگی های فرستنده/سخنگو یا خوانندگان انجام می گیرد. گفتمان رسانه ای به عنوان شکلی از ”عمل اجتماعی“ کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است و آشکار کردن ساختارهای ذاتی در همه سطوح تحصیل، هدفی معقول محسوب می شود.

دوم اینکه، هدف تحلیل گفتمان عمدتاً تشریح داده های کیفی و نه داده های کمی است. البته معیارهای کمی را می توان به خوبی بر تحلیلی، آشکار از نوع کیفی بنیان نهاد.

سوم اینکه، درحالی که تحلیل محتوا عمدتاً [بیشتر] بر مبنای داده های مشاهده شدنی و محاسبه پذیری چون واژه ها، عبارات، جمله ها و یا ویژگی های

سبک شناختی مبتنی است، تحلیل گفتمان سوالی روشن کردن ساختارهای سطحی برحسب گرامر نوین به ساختارهای معنا شناختی شالوده ای هم توجه دارد و فرض ها، ارتباط ها، دلالت ها و راهبردها را هم روشن می سازد، اینها معمولا در گفتمان در حالت پوشیده باقی میمانند. تحلیل گفتمان در قالب نظریه های تجربی، تلاش می کند قوانین یا اصول شالوده ای این ساختارها، تولید و درک پیام رسانه ای را بیابد همانگونه که ملاحظه شد، "وان دیک" برخلاف "برلسون" و "کاپلان" که تحلیل محتوا را روشی کمی می دانند به کیفی بودن روش تحلیل گفتمان اعتقاد دارد. بنابراین می بایست "تحلیل گفتمان" را به مثابه یک روش کیفی در مطالعات رسانه ای به کارگیریم. زیرا در تحلیل گفتمان به جای شمارش و مقادیر آماری با معناسناسی کاربردی متن سروکار داریم. تحلیل گفتمان در رشته هایی چون زبان شناسی، نقد ادبی، قوم نگاری، جامعه شناسی، روان شناسی ادراکی و اجتماعی، معنی شناسی، علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ارتباطات و مطالعات فرهنگی کاربرد دارد.

اهداف حاکم بر روش تحلیل گفتمان

مهمترین اهداف در روش تحلیل گفتمان رامی توان به این ترتیب خلاصه

کرد:

- ۱- نشان دادن رابطه بین نویسنده، متن و خواننده در قالب یک تحقیق علمی
- ۲- روشن ساختن ساختار عمیق و پیچیده تولید متن یعنی "جریان تولید گفتمان"
- ۳- نشان دادن تاثیر بافت متن، واحدهای زبانی و بافت موقعیتی، عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، تاریخی و شناختی بر روی گفتمان
- ۴- نشان دادن موقعیت و شرایط خاص تولید کننده گفتمان شرایط تولید گفتمان
- ۵- نشان دادن بی ثباتی معنا؛ یعنی معنا همیشه در حال تغییر است، هرگز کامل نیست و هیچ وقت به طور کامل درک نمی شود.

۶- آشکار ساختن رابطه بین متن و ایدئولوژی. تحلیل گفتمان از بدو پیدایش همواره در صدد بوده است تا نشان دهد که هیچ متن یا گفتار و نوشتاری بی طرف نیست بلکه به موقعیتی خاص وابسته است. این امر ممکن است کاملاً غیر عمدی و ناآگاهانه باشد.

۷. هدف عمده این تحقیق در روش تحلیل گفتمان این است که تکنیک و روش جدیدی را در مطالعه متون، رسانه ها، فرهنگ ها، علوم، سیاست، اجتماع و ... معرفی نماید. مبانی فکری این روش همان پیش فرض های پسامدرن هستند.

ادبیات تحقیق :

"رید بلیک" و "ادوین هارولدس" دو صاحب نظر در عرصه شناخت مفاهیم ارتباطی، به نقل از "اسمیت"، حوزه ارتباطات را حوزه ای وسیع می دانند. آنها در چنین حوزه ای شیوه های برخورد با مطالعه ارتباط انسانی را در سه عرصه اساسی روان شناسی اجتماعی، زبان شناسی و مردم شناسی قابل توجه می دانند: توجه اصلی مطالعه در مورد ارتباط، تولید، سازمان، ترکیب بندی، ساختار، توزیع، تحول تاریخی و عملکرد سیستم های پیام در جامعه است "گرینر" بنابر گفته "اسمیت"، سه شیوه برخورد یا رهیابی عمده به مطالعه فرآیند ارتباط، بیشترین سهم تجربی را در این حیطه، اختیار کرده است که عبارت است از: شیوه برخورد ریاضی، برخورد روانشناسی زیر هم، نموداری از این سه شیوه برخورد اساسی است، و هم نهاد و اقتباسی از شیوه برخورد یکپارچه ساز اسمیت در کتابش تحت عنوان، ارتباط و فرهنگ است. ضمناً اسمیت بر این نظر است که پژوهشگران ارتباط، با سه حوزه اصلی مطالعه در این زمینه، یعنی حوزه نحوی، حوزه معنایی نمودگاری و حوزه عملی، سروکار دارند پس از انتشار آثار "زلیک هریس" در سال ۱۹۵۷ میلادی و وان دایک در سال ۱۹۷۲ میلادی "تحقیق گفتمان" یا "تجزیه و تحلیل کلام" به عنوان شیوه ای مناسب در تحلیل پیام های رسانه ای مورد استقبال عموم استادان و دانشجویان علوم ارتباطات قرار گرفت.

الف - معنی و پیام ارتباطی

پیش از آنکه پژوهشگران علوم ارتباطات از شیوه تحلیل گفتمان در پژوهش های خود استفاده کنند بسیاری از صاحب نظران ارتباطات معتقد بودند ارتباطات چیزی جز انتقال "معنی" از فرستنده به گیرنده نیست. اما آنها "معنی" را در درون "پیام" نمی جستند بلکه آن را در "شخص گیرنده" جستجو می کردند. "دیوید برلو" صاحب نظر برجسته علم ارتباطات می گوید:

"ما زبانی را برای بیان و بیرون آوردن معنی ها به کار می بریم در واقع این کارکرد اصلی زبان است. معنی چیزی ذاتی و جدانشدنی از بسیاری تعاریف زبان است. در تدریس موضوع ارتباط به دیگران در ارتباط با خودمان، در انتقاد از نحوه ارتباط دیگران و در مواردی مشابه، همیشه باید معنی نقطه اصلی توجه ما قرار گیرد. اما برلو عمیقاً معتقد است کلمات فاقد معنی هستند، معنی فقط در انسان هاست برخلاف دیدگاه های برلو، بیشتر زبان شناسان معنی را در زبان جستجو می کنند و آن را قابل انتقال می دانند.

بسیاری از زبان شناسان به این قول "مالینوفسکی" استناد می کنند که می گوید: "مفهوم و معنی در دل کلمات نهفته نیست، بلکه معنی در "اوضاع و احوال" اجتماعی، وضع ادای کلمات، ساختمان جمله، اثر کلمات مجاور بر یکدیگر و دهها عامل دیگر مبتنی می باشد. (Malinowsky, ۱۹۵۷:۳۶)

"منصور اختیار" استاد دانشگاه تهران در این رابطه تاکید می کند:

"یک کلمه ممکن است با گرفتن حرف اضافه ای که به دنبال آن می آید معنی آن متضاد با حالت مجرد آن گردد؛ یا کلمه ممکن است آهنگ های مختلف گیرد و معنی آن یکسره عوض شود. اینها مواردی است که شنونده می تواند معانی و مفاهیم متفاوت را افشاء کند و به صورت مختلف ایجاد پیام نماید. از نظر شنونده نیز باز تمام این مراحل فرق می کند و هر شنونده به تناسب آنچه شنیده، آنچه را از آهنگ درک کرده؛ آنچه از ساختمان جمله دریافته، آنچه بر اثر وضع اجتماعی و تحصیلی و خانوادگی و سیاسی و مذهبی و آنچه به علت وضع جملات و کلماتی که در ساختمان جمله آمده مقصود شنونده را مختلف دریافت کند. (اختیار، ۱۳۴۸: ۹۱)

به این ترتیب "معنی در کُنه اوضاع و احوال قرار دارد که هر پیام با توجه به وضع فرستنده و گیرنده دستخوش دگرگونی می شود.

ب - تحلیل گفتمان به مثابه یک روش کیفی هرچند از ابتدای قرن بیستم "تحلیل محتوا Content Analysis" به عنوان یک روش کمی در کار پژوهشگران جا باز کرد. اما همان گونه که لورنس باردن استاد تحلیل محتوا می گوید آغازگر این روش "هارولد دوایت لاسول" استاد سرشناس تحقیقات ارتباطی در آمریکا است؛ اولین نامی که تاریخ تحلیل محتوا را واقعا روشن می کند "هارولد لاسول" است. او تقریباً از سال ۱۹۱۵ تحلیل هایی از مطبوعات و تبلیغات به عمل می آورد. در سال ۱۹۲۷ تکنیک های تبلیغات در دنیای جنگ Propaganda technique in the world war منتشر می شود.

در ادامه مهم ترین افرادی که تحلیل گفتمان را از بعد روش مدنظر قرار داده اند و در سطوح متفاوتی از بررسی های گفتمانی به آن توجه داشته اند ون دایک Teun A. van Dijk و فرکلاف Norman Fairclough هستند. ون دایک، بررسی مقوله ها و مفاهیم زیر را برای تحلیل گفتمان پیشنهاد می کند:

- ۱- استدلال : که باید ارزیابی منفی از واقعیت را به دنبال داشته باشد .
- ۲- معانی بیان: برجسته کردن اغراق آمیز کنش های منفی "دیگران" و کنش های مثبت "ما" از قبیل حسن تعبیرها، تکذیب ها، قصور در بیان کنش منفی "ما".
- ۳- سبک واژگان : انتخاب کلماتی که مستلزم ارزیابی های منفی یا مثبت است «واژه هایی دارای بار معنایی خاص»
- ۴- قصه گوئی :گفتن رویدادهای منفی به گونه ای که انگار فرد، خود آن را تجربه کرده است و نیز گفتن ویژگی های منفی رویدادها به گونه ای که پذیرفتنی باشد.
- ۵- تاکید ساختاری بر منش های منفی دیگران در تیترها، لیدها، خلاصه ها و دیگر قلمروهای طرح متن گزارش های خبری و ساختارهای انتقالی نحو جمله اشاره به عوامل منفی در شاخص ها و موقعیت های موضعی

۶- نقل قول از شواهد، منابع و کارشناسان معتبر مثلاً در گفتگوهای خبری نورمن فرکلاف، تحلیل گفتمان را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین مدنظر قرار می دهد. او معتقد است: متن در درجه اول دارای کلیتی است که بدان وابسته است. در داخل متن مجموعه ای از عناصر وجود دارند که نه تنها به یکدیگر مرتبط بوده بلکه کلیتی را می سازند که بدان گفتمان می گویند. متن یا گفتمان به مجموعه ای از عوامل بیرونی متکی است. این عوامل هم در فرایند تولید متن موثرند و هم در فرآیند تفسیر متن. فرآیند تولید و تفسیر با یکدیگر دارای تعامل و کنش متقابلند و در نتیجه همدیگر را متاثر می سازند، یک متن علاوه بر بافت متن و فرآیند و تفسیر متن به شدت متاثر از شرایط اجتماعی است که متن، تولید و یا تفسیر می شود. بافت اجتماعی و فرهنگی، تاثیر بسیار بیشتری نسبت به بافت متن و فرآیند تولید و تفسیر آن دارد. با این مقدمه و بیش فرض ها سطوح تحلیل گفتمان از منظر نورمن فرکلاف قابل هضم تر می شود. او سه سطح را به کار می گیرد:

- سطح اول، توصیف یا گفتمان به مثابه متن
- سطح دوم، تفسیر یا گفتمان به مثابه تعامل بین فرآیند تولید و تفسیر متن
- سطح سوم که سطح کلان است تبیین یا گفتمان به مثابه زمینه است.

۱- توصیف

مجموعه ویژگی های صوری ای که در یک متن یافت می شوند می توانند به عنوان انتخاب های خاصی از میان گزینه های مربوط به واژگان و دستور موجود تلقی شوند که متن از آنها استفاده می کند. به منظور تفسیر ویژگی هایی که به صورت بالفعل در یک متن وجود دارند، معمولاً توجه به دیگر انتخاب های ممکن نیز ضروری است؛ یعنی انتخاب از میان نظام های گزینه ای انواع گفتمان هایی که ویژگی های موجود از آنها گرفته شده اند.

در نتیجه، در تحلیل متون، کانون توجه دائماً بین آنچه در متن وجود دارد و انواع گفتمان هایی که متن از آنها استفاده می کند در نوسان است. مثلاً به این سوالات در خصوص واژگان در متن پاسخ می دهیم:

- ۱- کلمات، واجد کدام ارزش های تجربی هستند؟ چه نوع روابط معنایی به لحاظ ایدئولوژیک بین کلمات وجود دارد؟
- ۲- کلمات واجد کدام ارزش های رابطه ای هستند؟ آیا عباراتی وجود دارند که دال برحسن تعبیر باشند؟ آیا کلماتی وجود دارند که رسمی یا محاوره ای باشند؟
- ۳- کلمات، واجد کدام ارزش های بیانی هستند؟
- ۴- در کلمات از کدام استعاره ها استفاده شده است؟ (از جهت دستوری)
- ۵- ویژگی های دستوری واجد کدام ارزشهای تجربی هستند؟ جملات معلوم هستند یا مجهول؟ جملات مثبت هستند یا منفی؟
- ۶- ویژگی های دستوری واجد کدام ارزش های رابطه ای هستند؟ از کدام وجه های خبری، پرسشی دستوری و امری استفاده شده است؟ آیا ویژگی های مهم وجهیت رابطه ای وجود دارند؟ آیا از ضمیرهای ما و شما استفاده شده است و اگر پاسخ مثبت است، نحوه استفاده از آنها چگونه بوده است؟
- ۷- ویژگی های دستوری واحد کدام ارزش های بیانی هستند؟
- ۸- جملات ساده چگونه به یکدیگر متصل شده اند؟ از کدام کلمات ربطی منطقی استفاده شده است؟ آیا جملات مرکب از مشخصه های همپایگی یا وابستگی برخوردارند؟ برای ارجاع به داخل و بیرون متن از چه ابزارهایی استفاده شده است؟
- ۹- از کدام قراردادهای تعاملی استفاده شده است؟ آیا روش هایی وجود دارند که به کمک آنها یک نفر نوبت سخن گفتن دیگران را کنترل کند؟
- ۱۰- متن واجد چه نوع ساخت های گسترده تری است.

۲- تفسیر

- بافت یا زمینه: تفسیر های گفتمان از بافت موقعیتی و بینامتنی چیست؟
- انواع گفتمان: چه نوعی از گفتمان مورد استفاده خواهد بود و در نتیجه، کدامین قواعد، نظام و اصول در زمینه نظام آوایی، دستوری، انسجام جمله ای، واژگان، نظام های معنایی یا کاربردی به کار گرفته می شود و نیز کدام چارچوب ها؟

در واقع مرحله تفسیر روشن می سازد که فاعلان در گفتمان مستقل نیستند. این مرحله به خودی خود بیانگر روابط قدرت و سلطه و ایده ئولوژی های نهفته در پیش فرض ها ، که کنش های گفتمانی معمول را به صحنه مبارزه اجتماعی تبدیل می کند نخواهد بود. به منظور تحقق چنین هدفی مرحله تبیین هم ضروری است؟

۳- تبیین

می توان از مرحله تفسیر به تبیین با توجه به این نکته گذر کرد که با بهره گرفتن از جنبه های گوناگون دانش زمینه ای به عنوان شیوه های تفسیری در تولید و تفسیر متون، دانش یاد شده بازتولید خواهد شد. این باز تولید برای گفتمان پیامدی جانبی، ناخواسته و ناخود آگاه است، این امر در واقع به نوعی درمورد تولید و تفسیر نیز صدق می کند.

بازتولید مراحل گوناگون تفسیر و تبیین را به یکدیگر پیوند می دهد زیرا در حالی که تفسیر چگونگی بهره جستن از دانش زمینه ای در پردازش گفتمان را مورد توجه قرار می دهد، تبیین به شالوده اجتماعی و تغییرات دانش زمینه ای والبت به بازتولید آن در جریان کنش گفتمانی می پردازد.

هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی است، تبیین گفتمان را به عنوان کنش اجتماعی توصیف می کند و نشان می دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را جهت می بخشند، همچنین تبیین نشان می دهد که گفتمان ها چه تاثیرات باز تولید کننده ای می توانند بر آن ساختارها بگذارند، تاثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها می شوند. دانش زمینه ای واسطه تعین اجتماعی این تاثیرات است، به این معنا که ساختارهای اجتماعی به دانش زمینه ای شکل می دهند. و این یکی شکل دهنده گفتمان هاست و گفتمان ها دانش زمینه ای را حفظ می کنند یا آن را تغییر می دهند و این دومی باز به نوبه خود حافظ یا تغییر دهنده ساختارهاست.

منظور از ساختارهای اجتماعی هم همان مناسبات قدرت است و هدف از فرآیندها و اعمال اجتماعی، فرآیند ها و اعمال مربوط به مبارزه اجتماعی است.

بنابراین، تبیین عبارت است از دیدن گفتمان به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت.

- آنچه را در مورد تبیین باید گفت در قالب سه پرسش زیر مطرح می کنیم :
- ۱- عوامل اجتماعی: چه نوعی از روابط قدرت در سطوح گوناگون نهادی ، اجتماعی و موقعیتی در شکل دادن این گفتمان موثر است؟
 - ۲- ایدئولوژی: چه عناصری از دانش زمینه ای که مورد استفاده واقع شده اند دارای خصوصیات ایدئولوژیک هستند؟
 - ۳- تاثیرات: جایگاه این گفتمان نسبت به مبارزات در سطوح گوناگون نهادی اجتماعی و موقعیتی چیست؟ آیا این مبارزات علنی است یا مخفی؟ آیا گفتمان یاد شده نسبت به دانش زمینه ای هنجاری است یا خلاق؟ آیا در خدمت حفظ روابط موجود قدرت است یا در جهت دگرگون ساختن آن عمل می کند؟

ادبیات تاریخی تحقیق

این اصطلاح برای نخستین بار در سال ۱۹۵۲ در مقاله یک زبان شناس معروف انگلیسی به نام زلیک هریس Zellig Harris به کار رفت. زلیک هریس تحلیل گفتمان را صرفاً نگاهی صورت گرایانه و ساختار گرایانه می داند . یعنی دیدگاهی که توجه به جمله شکل و صورت متن دارد و نه کارکرد گرایانه که به کارکرد متن و واحدهای زبانی متمرکز است.

تحلیل گفتمان Discourse Analysis که در زبان فارسی به سخن کاوی، تحلیل کلام و تحلیل گفتار نیز ترجمه شده است ، یک گرایش مطالعاتی بین رشته ای است که در اواسط دهه های ۶۰ و ۷۰ در پی تحولات معرفتی در علوم اجتماعی و انسانی ظهور کرد . این گرایش به دلیل بین رشته ای بودن به زودی به عنوان یکی از روش های کیفی در حوزه های مختلف علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ارتباطات و زبان شناسی انتقادی قرار گرفت .

پیدایش روش تحلیل گفتمان در دهه ۱۹۷۰ میلادی به ویژه پس از انتشار آثار "تئو ، ادربانوس وان دایک" محقق سرشناس دانشگاه آمستردام، زمینه های

مساعدهی را برای روی آوری پژوهشگران ارتباطی، به ویژه پژوهشگران متن های رسانه‌ای به این روش تحقیق فراهم کرد.

مقالات متعدد "وان دایک" در کنار کتاب "تحلیل های خبر" که مطالعات موردی اخبار ملی و بین المللی در مطبوعات را مورد توجه قرار داد و طرح هایی برای تحلیل گفتمان ارائه کرد، شیوه نویسی را برای واکاوی معنای خبر، مقاله و گزارش پیش روی محققان قرار داد.

در کنار دیگر نظریه پردازان و محققان تحلیل گفتمان، می بایست از اثر با ارزش "راجر فاولر Roger Fowler" با عنوان "زبان خبر، گفتمان و ایدئولوژی در مطبوعات" یاد کنیم که گفتمان را همانند محصول و رویه اجتماعی در روزنامه نگاری برمی شمارد و به جنبه های پنهان نقش زبان در معنی سازی و شکل دهی به مفاهیم در مطبوعات می پردازد. او برای این امر به تحلیل گفتمان سرمقاله های مطبوعات تاکید می ورزد. از دیدگاه او مقالات در واقع میدان بازسازی استدلالی جهان خاص نویسندگان است.

به موازات تحلیل گفتمان متن های رسانه ای در قالب "تحلیل گفتمان"، "تحلیل گفتمان انتقادی" و "تحلیل متن" به عنوان روش های کیفی تحلیل محتوای رسانه ها، "تحلیل محتوا" نیز به عنوان روش کمی تحلیلی متن های رسانه ای توسط پژوهشگران در دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی جهان به کار می رود.

شناخت انواع روش های تحلیل گفتمانی

گفتمان انتقادی، بحث تحلیل گفتمان را یک سطح ارتقا می دهد. تحلیل گفتمان از نظر شمول معنایی در گستره ای فراتر از زبان شناسی اجتماعی و زبان شناسی انتقادی به همت متفکرانی چون ژاک دریدا، میشل پشو و میشل فوکو و به ویژه توسط اندیشمندانی چون ون دایک و نورمن فرکلاف که به طور مستقیم به این رشته اهتمام ورزیدند، وارد مطالعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شد و شکل انتقادی به خود گرفت.

یعنی اگر تحلیل گفتمان را سطح توصیف بدانیم، آن را به سطح تفسیر و تبیین می‌رساند و ضمن توصیف و تفسیر متن، به این سؤال پاسخ می‌دهد که چرا از میان گزینه‌های ممکن زبانی باید این متن را انتخاب کرد و طی یک واقعه مشخص چرا اشخاص از عبارات زبانی و دستوری خاصی استفاده می‌کنند. تحلیل گفتمان انتقادی این چراها را کمتر به نویسنده مرتبط می‌کند. بلکه بنگاه‌ها و مراکزی که این مجموعه را اداره می‌کنند و فرد هم جزئی از آن است، این متن را رقم می‌زند. در اصل می‌گوید تولید و فهم متن با عوامل بافت‌های کلان یعنی تاریخ، ایدئولوژی، جامعه، فرهنگ و قدرت مرتبط است.

از سوی دیگر نگاه انتقادی آن معطوف به سویه‌ای است که زبان را آینه شفاف می‌داند که مفاهیم و اندیشه‌ها را منتقل می‌کند. تحلیل گفتمان انتقادی بر این باور است که زبان بر خلاف این تعریف مثل آینه یا شیشه مات است که حقایق را در بسیاری موارد تحریف می‌کند.

فوکو معتقد بود که زبان شناسان تاکنون از ابزارهای زبان شناختی تشکیل متن صحبت کرده‌اند اما به خدمت گرفتن این ابزارها به طور کامل باعث می‌شود به لایه‌های معنایی دست یابیم اما لایه‌های معنایی دیگری هم در این متن هست که تاکنون از چشم آنها دور مانده است.

از این نظر فوکو به رویکردی در درون تحلیل گفتمان با عنوان CDA، زبان شناسی گفتمان انتقادی یا تحلیل گفتمان انتقادی مطرح شد. فوکو معتقد بود هیچ متنی عاری از القائات ارزشی، روابط قدرت و مولفه‌های فرهنگی نیست. اگر قرار است متنی تفسیر بشود ما باید درصدد یافتن این لایه‌های معنایی نیز باشیم.

تحلیل گفتمان انتقادی معتقد است که رد پای تاریخ، جهان‌بینی، ارزش‌ها، مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی، در جای جای زبان مشهود است.

کار تحلیل‌گر متن این است که ورای این معانی که تحلیل گفتمان متعارف می‌دهد، برود و این لایه‌های معنایی را نیز بگوید. یعنی کسی که در متون سیاسی و رسانه‌ای کار می‌کند، باید به خواننده این آگاهی را بدهد که چه متنی را می‌خواند و لایه‌های معنایی آنچه می‌خواند را بر او آشکار می‌کند.

بررسی و تحلیل تحقیق

برای به کار بردن روش تحلیل گفتمان، تمایز این روش با روش‌های مشابه آن "تحلیل گفتمان انتقادی Critical Discourse Analysis و تحلیل متن Analysing Texts ضروری است.

از دیدگاه "کوروش صفوی" استاد دانشگاه علامه طباطبایی، معنی شناسی را می‌توان مطالعه علمی "معنی" تلقی کرد و معنی نیز مصداقی است که در جهان خارج وجود دارد یا مفهومی است که براساس مصداق‌ها به شکل نوعی تصویر Image در ذهن سخن‌گویان زبان ذخیره شده است و "تحلیل گفتمان" یا "تجزیه و تحلیل کلام" به مطالعه رابطه میان صورت و نقش در ارتباط کلامی می‌پردازد. دکتر صفوی بر این باور است:

"می‌توان مدعی شد که تجزیه و تحلیل کلام مطالعه معنی به آن گونه‌ای است که مورد نظر گوینده است؛ زیرا نقش هر جمله برحسب منظور گوینده از تولید آن جمله قابل استنتاج است." به نظر می‌رسد شناخت منظور گوینده آن گونه که دکتر لطف الله یار محمدی استاد زبان شناسی دانشگاه شیراز می‌نویسد، شناخت آن روی سکه است. گفتیم گفتمان مانند دوروی یک سکه است که یک روی آن متن یا گفته و در روی دیگر کارکردهای فکری - اجتماعی است از آنجا که کارکردهای فکری - اجتماعی بر بستر تعاملات اجتماعی و نقش گفتمان در باز تولید و چالش سلطه متمرکز است و این اعمال سلطه نیز توسط نخبگان، نهادها یا گروه‌ها تعریف می‌شود و نابرابری‌های اجتماعی همانند نابرابری سیاسی، فرهنگی، طبقاتی، نژادی و جنسی ناشی از همین سلطه تلقی می‌شود، شناخت این سلطه از طریق تحلیل گفتمان انتقادی میسر است. زیرا "وان دایک" معتقد است:

این فرایند بازتولید احتمالاً "وجوه" مختلف روابط گفتمان - قدرت، مانند شیوه‌های کم و بیش آشکار یا مستقیم حمایت، اعمال، بازنمایی، مشروعیت بخشی، نفی، تعدیل یا کتمان سلطه را شامل می‌شود. گفتمان کاو مشخصاً می‌داند ساختارها و راهبردها یا دیگر خصوصیات نوشتار، گفتار، تعامل کلامی یا رویدادهای ارتباطی چه نقشی در این شیوه‌های بازتولید ایفا می‌کنند. براین

اساس پیش فرض اساسی تحلیل گفتمان انتقادی، درک ماهیت قدرت و سلطه اجتماعی است. تحلیل متن رسانه ای -Analysis Media Text" برخلاف "تحلیل گفتمان انتقادی" به روابط درون متن توجه دارد. یک متن از کلمات و یا تصاویر ساخته می شود. در تحلیل متن تصویری، متن فیلم سینمایی، با "تصویر زبان Visual Language" سروکار داریم. بی گمان "تحلیل متن" در عصر رسانه‌های دیجیتالی به عنوان یک روش در پژوهش‌های ارتباطی جایگاه خاصی خواهد داشت.

نتیجه گیری

تحلیل گفتمان یا Discourse Analysis که امروزه به گرایشی بین رشته ای interdisciplinary در علوم اجتماعی تبدیل شده است ریشه در نشانه شناسی- تاویل گرایی، تبار شناسی و دیرینه شناسی دارد.

بنیان های فکری تحلیل گفتمان فراتر از تحلیل متن یا نوشتار -text analysis یا تحلیل گفتار است. همچنین در تحلیل گفتمان فراتر از دیدگاه هارولد لاسول درباره تحلیل فرستنده، تحلیل پیام، تحلیل وسیله و تحلیل گیرنده به طور مجزا بحث می شود.

تحلیل گفتمان در هرمنوتیک با ریشه های روانشناختی تاکید دارد که منهای متن می تواند مستقل از آگاهی فردی وجود داشته باشد. تاکید بر این است که رابطه ای تعاملی بین text و زمینه context وجود دارد. همچنین رابطه ای تعاملی و دیالکتیکی بین "گفتمان"، قدرت و معرفت" وجود دارد. مهمترین این دستاورد را باید تحلیل روابط قدرت و معرفت دانست. بدین معنی که در تحلیل گفتمان مجموعه شرایط اجتماعی، زمینه وقوع متن یا نوشتار، گفتار، ارتباطات غیرکلامی و رابطه ساختار و واژه ها در گزاره ای کلی نگریسته می شود.

واژه ها هر کدام به تنهایی مفهوم خاص خود را دارا هستند اما در شرایط وقوع و در اذهان گوناگون معانی متفاوتی داشته و انتقال، دریافت و تاثیرگذاری متفاوت و گوناگونی در پی دارند و همانگونه که دریافتیم رستگاری برای یک انسان دیندار معنایی متفاوت از رستگاری برای یک انسان آزادیخواه دارد.

منابع و مأخذ

۱. وان دایک، تئون.ای، مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی، گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ۱۳۸۲.
۲. فرکلاف نورمن " تحلیل انتقادی گفتمان. گروه مترجمان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ۱۳۷۹.
۳. بهرامپور، شعبانعلی- بلیک رید و ادوین هارولدس، طبقه بندی مفاهیم در ارتباطات، مترجم مسعود اوحدی، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۸.
۴. اختیار، منصور، معنی شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.
۵. یار محمدی، لطف الله، گفتمان شناسی رایج و انتقادی، تهران: هرمس، ۱۳۸۳.
۶. صفوی، کورش، معنی شناسی کاربردی، تهران: انتشارات همشهری، ۱۳۸۲.
۷. وان دایک، تئون.ای، " تحلیل گفتمان: پرورش و کاربست آن در ساختار خبر، مترجم: محمد رضا حسن زاده، تهران: پژوهش معاونت سیاسی صدا و سیمای جمهوری اسلامی " ۱۳۷۸
۸. فرقانی، محمدمهدی. تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران از مشروطه تا خاتمی. فصلنامه رسانه. شماره ۵۴ تابستان ۱۳۸۲.
- آقاگل زاده، فردوس، تحلیل گفتمان انتقادی. ناشر: انتشارات علم فرهنگی، ۱۳۸۵.
۹. یحیایی ایله ای، احمد وب سایت ارتباطات اجتماعی <http://www.yahyaaee.com>.
۱۰. پایان نامه اردشیر زابلی زاده -۸۳-۸۴ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی: تحلیل گفتمان هفته پایان نامه های استان کردستان اختیار، منصور، معنی شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.

۱۱. باردن، لورنس ، تحلیل محتوا، مترجمان دکتر ملیحه آشتیانی و دکتر یمنی دوزی سرخابی، تهران :انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵.
۱۲. بدیعی، نعیم تحلیل محتوا، تهران :اداره کل تبلیغات اداره هماهنگی روابط عمومی های کشور، ۱۳۸۰ .
۱۳. بلیک رید و ادوین هارولدس ، طبقه بندی مفاهیم در ارتباطات، مترجم مسعود اوحدی، تهران :انتشارات سروش، ۱۳۷۸.
۱۴. صدیق سروسستانی، رحمت الله، " کاربرد تحلیل محتوی در علوم اجتماعی"، نامه علوم اجتماعی، شماره ۸ ، ۱۳۷۵.
۱۵. صفوی، کورش ، معنی شناسی کاربردی، تهران: همشهری، ۱۳۸۲.
۱۶. محمدرضا حسن زاده [جزوه پلی کپی]، تهران پژوهش معاونت سیاسی صدا و سیمای جمهوری اسلامی".

. The Process of Communication.-- Berlo David 1990
New York: Rinehart and Michigan state university
Winston.

2003- Analysing Media .- Burn Andrew and David Parker
London: Continuum..Texts

Language in the News Discourse -- Fowler Roger 1991
London: Rutledge..and Ideology in the Press

"on Definity Communication: -- Gerbner. George 1962
in Journal of Communication 162-..Still Another View"

Content Aualysis and the theory of -- Kaplan A.1943
10..Signs. Philos. Sci

. Carol Garden and Their Magics.-- Malinowsky 1957
London:?

News Analysis Case Studies of -- Van Dijk Teun A.1988
and Hove .international and national News in the Press
Londen: Lawrence Erlabaun Associates